

## اصلاح // اعتراض // تغییر

جستارهایی در باره سیاست گذاری ایالات متحده در خاورمیانه



## آغازی جدید برای ایالات متحده در موضوع دموکراسی و حقوق بشر در خاورمیانه

دیوید پولاک و رابرت ستلوف

سپتامبر ۲۰۲۱

رویدادهای کنونی افغانستان و بحث‌های سیاسی داخلی ایالات متحده پیرامون این رویدادها این قابلیت را دارد تا تداوم نقش حقوق بشر و دموکراسی را به عنوان ارزش‌های اصلی آمریکا با ابهام روبرو سازد. این ارزش‌ها هنوز بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های داخلی و خارجی دولت بایدن هستند و باید هم چنین باشد. با توجه به وقایع چند سال گذشته، اولویت اصلی امروز به‌درستی رویکردی دفاعی است: حفاظت از آزادی و دموکراسی آمریکا در برابر دخالت بازیگران خارجی. حفظ و پیشبرد حقوق بشر یا دموکراسی در خارج از کشور اهدافی هستند که با آن هدف اساسی پیوند دارد.

در این چارچوب، تاکید به حق بر آن دسته از متحدان تاریخی آمریکا است که در کشورهای آنها ارزش‌ها و نهادهای موجود بیش از همه مورد تهدید رهبران مستبد یا جنبش‌های خودکامه است، چه از داخل و چه از خارج مرزها. اولویت دیگر باید تمرکز کردن بر مواردی از شدیدترین نمونه‌های نقض حقوق انسانی یا موارد اضطراری در این زمینه باشد. متأسفانه نمونه‌های بسیار زیادی از این دسته اخیر در خاورمیانه وجود دارد.

دولت بایدن قبلاً به‌وضوح نشان داده که به برخی از رهنمودهای اساسی در این زمینه توجه دارد. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه، در سخنرانی معارفه خود، نه تنها این توجه به اولویت‌ها را بیان کرد، بلکه فراتر از آن نیز رفت.<sup>۱</sup> بنا به استدلال او، کاستی‌های موجود در دموکراسی آمریکا و در جامعه این کشور مانع از حمایت ایالات متحده از دموکراسی و حقوق بشر در خارج نیست. برعکس، این کاستی‌ها دلیل بیشتری برای ایالات متحده فراهم می‌آورد تا با دیگران برای تقویت بنیادهای مشترک آزادی همکاری کند.

افزون بر این، بلینکن تأکید کرد که ایالات متحده دیگر برای استقرار دموکراسی به زور متوسل نخواهد شد. بخشی کلیدی از این سخنرانی را خوب است اینجا بیاوریم:

ما از قدرتی که کشورمان به عنوان نمونه [دموکراسی و آزادی] ارائه می‌دهد استفاده خواهیم کرد. ما دیگران را تشویق می‌کنیم تا اصلاحات کلیدی انجام دهند، قوانین بد را لغو کنند، با فساد مبارزه کنند و اقدامات ناعادلانه را متوقف کنند. ما رفتار دموکراتیک را مورد تشویق و حمایت قرار خواهیم داد.

اما برای پیشبرد دموکراسی از مداخلات نظامی پرهزینه یا تلاش برای سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرا استفاده نخواهیم کرد. ما این تاکتیک‌ها را در گذشته امتحان کرده‌ایم. اگرچه اقدامات قبلی همراه با حسن نیت بوده ولی عملاً موثر واقع نشده‌اند. آن اقدامات برای سیاست ترویج دموکراسی بدنامی به بار آورده و موجب سلب اعتماد مردم آمریکا شده است. ما روش متفاوتی برای انجام امور در پیش خواهیم گرفت.

چگونگی این روش متفاوت آن سوالی است که این جستار قصد پاسخ به آن را دارد؛ اگر چه صرفاً به خاورمیانه محدود خواهد بود. صرف نظر از هر عقیده‌ای که ممکن است در باره خروج نهایی نظامیان ایالات متحده از افغانستان داشته باشیم، این خروج تأکیدی بر این نکته است که دولت بایدن از دموکراسی‌های نوپا حمایت نامحدود نظامی نخواهد کرد. با این حال، در موارد دیگر، برخی حمایت‌های امنیتی ایالات متحده ممکن است برای حفاظت و تشویق پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر مفید باشد - یا حداقل اجازه ندهد سرکوبگرترین عناصر یک جامعه خاص به قدرت برسند. در مقابل و در درازمدت، دولت‌هایی که بیشتر دموکراتیک و مداراگر و فراگیر باشند، احتمال بیشتری هم دارد که در دفاع از خود بهتر عمل کنند و شرکای امنیتی قابل اعتمادتر و موثرتری هم برای ایالات متحده خواهند بود.

## // جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا کجاست؟

هم در منطقه بیشتر حامی اقتدارگرایی است تا حامی دموکراسی یا حقوق بشر.

اما این به معنای بازگشت به جنگ سرد نیست. در واقع، فقدان «شرایط الزامی» ایدئولوژیک از طرف چین و روسیه دقیقاً همان چیزی است که برای برخی از مستبدان خاورمیانه جذاب است. اگر ایالات متحده تصمیم به حفظ حضور قدرتمند خود در منطقه بگیرد، فرصت حمایت از ارزش‌های خود را هم خواهد داشت.

شگفت‌آورتر آن است که سنجش‌های افکار عمومی نشان می‌دهد انتخابات و سایر شیوه‌های سیاسی دموکراتیک در فهرست اولویت‌های محبوب اکثر جوامع خاورمیانه قرار ندارند و برای عموم مردم منطقه به طور کلی رفاہ شخصی، توسعه اقتصادی و ثبات یا امنیت فیزیکی از اهمیت بالاتری نسبت به هر گونه آرمان صرفاً سیاسی برخوردار است. طبق نظر بسیاری، اولین حق بشر حق زندگی در صلح و عزت است؛ و اولین آزادی‌ها نیز همانطور که رهبران آمریکا در «نیو دیل» [برنامه توسعه فرانکلین روزولت] اعلام کردند، آزادی از قید احتیاج و آزادی از ترس است.

با آن که واژه دموکراسی همچنان از محبوبیت برخوردار است، اغلب مردم خاورمیانه آن را بیشتر از جنبه خدمات اجتماعی، تضمین استاندارد زندگی و کاهش فساد تعریف می‌کنند تا از منظر انتخاباتی. در واقع، در اکثر کشورهای منطقه که سنجش انجام شده، فقط اقلیت‌ها معتقدند که انتخابات آزاد برای دموکراسی ضروری است. به علاوه، با توجه به مشکل امروز همه‌گیری ویروس کرونا، منطقی است که خدمات بهداشتی و درمانی دسترس‌پذیرتر و ارزان‌تر در صدر فهرست اصلاحات مطلوب برای پیشبرد حقوق اساسی بشر باشد. در واقع، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از جوامع خاورمیانه - به استثنای اسرائیل و امارات متحده عربی - اکثریت شهروندان از نحوه برخورد دولت‌شان با این بحران ناراضی‌اند و خواهان اقدامات بیشتری برای بهبود آن هستند.

از این منظر، می‌توان به طور منطقی ادعا کرد که حمایت ایالات متحده از توزیع عادلانه‌تر و بدون فساد خدمات دولتی بیش از هر سیاست دیگری به پیشبرد حقوق بشر و ترویج مدل «حکومت بر اساس رضایت افراد تحت حاکمیت» در منطقه کمک خواهد

بخش اول پاسخ، سراسرست بگوئیم، این است که خاورمیانه محور اصلی سیاست خارجی ایالات متحده در بیست سال گذشته بوده اما چه بسا در حال از دست دادن این محوریت یا دست‌کم اشتراک این مزیت با دیگر مناطق جهان است. واقعیت هم این است که هم از منظر منافع و هم ارزش‌ها، دموکراسی یا حقوق بشر به معنای اخص خود تنها اهداف معتبر آمریکا در این منطقه بی‌ثبات و مستعد خشونت محسوب نمی‌شوند. در عوض، اهداف مهم دیگری هست که در واقع شالوده اصلی حقوق اساسی بشر و تحول دموکراتیک نهایی را فراهم می‌کند: جلوگیری یا کاهش درگیری‌های خشونت‌بار منطقه‌ای؛ جلوگیری از بی‌جاشدگی انبوه یا سایر فوریت‌های بشردوستانه و نزاع‌های مدنی؛ و مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز.

فراتر از این نیازهای فوری، دستورکار حقوق بشر و دموکراسی پیشبرد اهداف بلندمدت از قبیل ایجاد امنیت برای همه مردم منطقه و پیگیری و گسترش توافقنامه‌های صلح منطقه‌ای است. همراه با توسعه اجتماعی، ثبات سیاسی، بردباری مذهبی، عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و دستاوردهای پایدار زیست‌محیطی. همه این موارد جزء جدایی‌ناپذیر پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر در آینده خواهد بود. بنابراین، تلاش برای پیشبرد این امر ضروری باید به نحوی باشد که در تکمیل ارزش‌های حمایتگر امنیت، ثبات، و حل مناقشات باشد و نه در تضاد با آن. به عنوان مثال، این رویکرد هماهنگ باید در مورد کشورهای عربی، که با اسرائیل پیمان صلح می‌بندند، اتخاذ شود: کشورهایی همچون مصر، اردن، امارات متحده عربی، بحرین، مراکش، سودان و سایر کشورهایی که ممکن است به این فهرست افزوده شوند. همچنین، این رویکرد باید در مورد دیگر شرکا که نقش مثبتی در حل سایر درگیری‌های منطقه‌ای مانند درگیری یمن، لیبی یا سوریه دارند، نیز اعمال شود. اصول راهنمایی که در ادامه می‌آید، راه‌هایی برای هماهنگی این اهداف ارائه می‌دهد و حفظ تداوم اصول بلندمدت و، در عین حال، متناسب‌سازی ابزارها و اهداف میان‌مدت برای هر کشور خاص را در نظر دارد.

رقابت قدرت‌های بزرگ نقطه تلاقی دیگر این دستورکار گسترده با واقعیت‌های منطقه خاورمیانه است. دولت‌هایی که به جای تبعیت از الگوهای مبتنی بر دموکراسی یا آزادی‌های فردی به اقتدارگرایی گرایش دارند، بیشتر مستعد اتحاد با چین یا روسیه هستند و بالعکس. پیشروی اقتصادی و استراتژیک چین یا روسیه

بر عکس، ایالات متحده باید روابط استراتژیک خود را با طیفی از دولت‌های خودکامه منطقه‌ای، مانند آنکارا، به رغم کارنامه ضعیف اخیر آن در حقوق بشر و دموکراسی، حفظ کند. دو دلیل از دلایل متعدد برای این امر آن است که ترکیه را از روسیه دور نگه دارد و نیز آن را به سمت توافق با کُردهای سوریه سوق دهد. نکته قابل توجه در مورد هر دو هدف این است که منطق آن هم ریشه در منافع ایالات متحده دارد و هم در ارزش‌های آمریکایی.

نتیجه منطقی عمده این است که هیچ فرمول واحدی برای ترویج دموکراسی و حقوق بشر که متناسب با همه کشورهای منطقه باشد وجود ندارد. بلکه هر کشور ترکیبی منحصر به فرد از چالش‌ها و فرصت‌ها، بده بستان بر سر اهدافی که بالقوه رقیب یکدیگرند و چشم اندازه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای تغییرات مثبت را در خود جای داده است. در نتیجه، ابزارها و رهنمودهای مناسب سیاست‌گذاری باید با توجه دقیق به شرایط خاص آنها تدوین شود. در واقع، اولین اصل کلی باید این باشد که موارد خاص به عنوان مورد خاص بررسی شوند. بدین معنی که معیارهای عمل باید طوری باشد که در آن مورد خاص احتمال موفقیت بالایی داشته باشد نه اینکه لزوماً بتوان آن را برای موارد دیگر نیز اعمال کرد.

کرد. این تعریف موسع از دموکراسی ممکن است بیشتر با واقعیت‌های منطقه، استنباطات و آرمان‌های آن سازگار باشد تا تأکید بر قوانین، رویه‌ها و نهادهای رایج در کشورهای [مثل غرب] که ثبات و حداقلی از معیشت در آنها بدیهی و مفروض شمرده می‌شود. به طور خلاصه، یک رویکرد همه‌جانبه‌تر و در عین حال باظرافت‌تر سعی در ارائه دستور کاری دارد که هم اخلاقی باشد و هم عملگرا.

افزون بر این، غالباً تنش‌های اجتناب‌ناپذیر بین برخی از این اهداف عملی مشروع - هم از نظر سیاست ایالات متحده و هم از نظر ملت‌های خاورمیانه - و ایده آل‌های دموکراسی به معنای اخص آن دست‌کم در امور مرتبط با سیاست‌های کوتاه‌مدت وجود دارد. یک مورد اخیر مربوط به موضوع بحث بر سر این است که آیا ایالات متحده باید انتخابات پیشنهادی فلسطین را که جنبش مقاومت اسلامی - حماس - مجاز به معرفی نامزد باشد، به رسمیت بشناسد یا خیر و در صورت مشارکت حماس در این انتخابات و کسب سهمی از قدرت، چگونه باید به آن واکنش نشان دهد. همیشه باید از مشارکت احزاب مشروع در انتخابات دموکراتیک استقبال کرد، اما حماس که از طریق اقدامات خشونت‌آمیز و غیرقانونی به قدرت رسیده و از آن زمان تا کنون با حفظ انحصار بر چنین اقداماتی این قدرت را حفظ کرده، بی‌شک خارج از چارچوب این استاندارد قرار می‌گیرد. در واقع، وقتی یک سازمان تروریستی، افراطی، خواهان بازپس‌گیری همه قلمرو و غیربردبار از سازوکارهای دموکراسی تنها برای حفظ اختناق خود در برابر آزادی‌های مدنی داخلی و تهدید صلح منطقه‌ای استفاده می‌کند، پرسش‌هایی اساسی در دو سطح عملی و اخلاقی برمی‌انگیزد.



## // برخی رهنمودهای کلی سیاست‌گذاری آمریکا برای خاورمیانه

قدرت محدود، از سایرین نزدیکتر است. اما اغلب شهروندان کشورهای همسایه کویت ترجیح می‌دهند تمرکزشان روی آزادی‌های فردی و حکمرانی خوب باشد تا اینکه به تقلید از نهادهای کویتی بپردازند که از نظرشان ناکارآمد، تفرقه‌انگیز و حتی از نظر فرهنگی نامناسب تلقی می‌شوند.

اردن و مراکش دو پادشاهی عربی دیگر هستند که پارلمان و انتخابات دارند. در اینجا نیز حمایت ایالات متحده از اصلاحات به بهترین شکل می‌تواند به مسائل مربوط به خدمات عادلانه دولتی، مبارزه با فساد، آزادی بیان و دیوان‌سالاری پاسخگو معطوف شود. این عرصه کلی، نویدبخش پیشرفت سریع‌تر و مرتبط‌تری با زندگی شهروندان است تا دور تازه‌ای از اصلاحات ساختاری یا انتخاباتی.

همه چیز را انضمامی نگاه کنید. این موضوع واضح است، هرچند اغلب نادیده گرفته می‌شود، که کشورهای امروزی خاورمیانه هر کدام جایگاه بسیار متفاوتی در طیف دموکراسی و حقوق بشر دارند. ارزیابی‌های مستقل و معتبر سازمان‌های غیردولتی، مانند ارزیابی‌های منتشرشده سازمان مردم‌نهاد «خانه آزادی» و سازمان مردم‌نهاد «شفافیت بین الملل» و دیگران، کشورها را بر اساس معیارها به خوبی رتبه‌بندی کرده‌اند و روندهای روبه‌رشد یا پسرفت‌های قابل توجه را در طول زمان نشان داده‌اند. ایالات متحده هنگام تصمیم‌گیری برای هر اقدامی در این قلمرو اعم از انتقاد یا تحسین، مجازات یا پاداش، باید این رتبه‌بندی را مد نظر قرار دهد. در غیر این صورت، واشنگتن در موقعیت عبثی قرار می‌گیرد که به دموکراسی‌های واقعی اما ناکامل به همان شیوه‌ای واکنش نشان خواهد داد که به دیکتاتوری‌های خشن و حتی عاملان نسل‌کشی پاسخ می‌دهد.

حداقل به همان اندازه که به مشکلات توجه می‌کنید به پیشرفت نیز توجه نشان دهید. از بند بالا می‌توان استنباط کرد که ایالات متحده باید دقت بیشتری در تشخیص و تشویق پیشرفت‌های نسبی هرچند کوچک در این حوزه داشته باشد. علاوه بر آن، واشنگتن باید از ابزار تشویق و تمجید بیشتر از انتقاد و مجازات یا دست‌کم به همان اندازه استفاده کند.

این توصیه ممکن است بر خلاف تمایل طبیعی انسان برای تمرکز بر محرک‌های منفی باشد و مطمئناً بر خلاف شیوه‌های سنتی دیپلماتیک است. اما آن گرایش و سابقه باید معکوس شود، زیرا

با در نظر داشت این اصول کلی و اولویت‌های منطقه‌ای، موارد زیر پیشنهادهایی برای اتخاذ رویکرد آمریکا نسبت به این چالش پیچیده است. معیار مطلوب رسیدن به سیاستی است که هم فضیلت‌مندانه باشد و هم واقع‌بینانه. این توصیه‌ها ابتدا به عنوان اصول راهنمای نسبتاً انتزاعی معرفی می‌شوند و سپس طرحی از کاربرد آنها در چندین مورد مشخص ارائه می‌شود. دو مورد خاص عمده که در دو سر مخالف این طیف سیاسی قرار دارند، ایران و اسرائیل هستند که به طور جداگانه در بخش نتیجه‌گیری به آنها خواهیم پرداخت.

یک یادآوری سریع: رهنمودهای پیشنهادی که در ادامه آمده است به منظور اعمال در وضعیت سیاسی کنونی و نسبتاً آرام بسیاری از کشورهای منطقه است. مقاله جداگانه‌ای در این مجموعه مقالات به جنبه دیگری از مبحث دموکراسی خواهد پرداخت؛ یعنی نحوه مقابله با موارد اعتراضات انبوه و احتمال تحولات عمده سیاسی که در حال حاضر بیشتر استثناء تلقی می‌شود تا قاعده. به علاوه، موارد معدودی از جنگ داخلی تمام‌عیار، مانند سوریه، لیبی یا یمن، از حوزه بحث این مقاله خارج است و رسیدگی دقیق جداگانه‌ای می‌طلبد.

با آزادی‌های اولیه فردی شروع کنید، سپس به اصلاحات سیاسی بزرگ‌تر بیندیشید. حقوق بشر و دموکراسی همراه و همنشین هم هستند، اما یکسان نیستند. آزادی‌های مدنی، از جمله آزادی بیان، آزادی مذهب و آزادی تشکل، خشت‌های بنای لیبرال دموکراسی هستند؛ همانطور که عکس آن در احتمال «استبداد اکثریت» صادق است. در خاورمیانه معاصر، کارهای زیادی برای احقاق این حقوق فردی بنیادین می‌توان انجام داد بدون اینکه لازم باشد خطر انقلاب یا سرکوب را به جان بخوریم؛ چیزی که ممکن است به دنبال تحولات بزرگ سیاسی رخ دهد.

بنابراین، در عین آنکه ایالات متحده باید اهداف نهایی را که همان انتخابات آزاد و عادلانه، تفکیک قوا و سایر ویژگی‌های دموکراسی نمایندگی تمام‌عیار است مد نظر داشته باشد و تشویق کند، هم از نظر عملی و هم از منظر اخلاقی منطقی است که تمایز این اهداف را از گام‌های اولیه برای رسیدن به نتیجه مطلوب در درازمدت در نظر بگیرد. به عنوان یک نمونه قابل توجه در میان شش کشور پادشاهی عرب حاشیه خلیج فارس، کویت به برگزاری انتخابات واقعی برای یک مجلس واقعی، هرچند با

اینکه به سایر موضوعات موجود در دستور کار آمریکا-عربستان لطمه وارد شود، مورد استقبال قرار گیرد و تشویق شود.

به طور مشابه، در مورد کشوری غیر عرب مانند ترکیه، باید مشوق‌هایی برای موارد پیشرفت و همچنین اقداماتی منفی در قبال پسرفت تدارک دید. همانطور که یکی از کنشگران ترک، آسلی آیدینتاش‌باش، به درستی می‌گوید: «تمرکز بر چند مورد نمادین و ارائه مشوق‌های اقتصادی به خاطر آن دستاوردها در حقوق بشر منطقی‌تر است تا انتشار گزارش‌های حق به جانب در خصوص موارد نقض آن.»<sup>۲</sup>

**گام‌های عملی ولو کوچک هم به حساب می‌آید.** یکی دیگر از دلایل نیاز به چشم‌انداز این واقعیت است که برخی از اهداف کوتاه‌مدت، متناسب با موقعیت خاص هر کشور، لزوماً کوچک خواهد بود. این بدان معناست که در بسیاری از موارد، ایالات متحده باید صراحتاً برای بهبود فزاینده شرایط حقوق بشر در هر کشوری تلاش کند، نه برای تبدیل سریع تک تک کشورها به دموکراسی‌های انتخاباتی بالغ.

عراق اینجا یک مورد مهم است. دولت فعلی این کشور با وجود همه مشکلات موجود، از جمله قانون اساسی و سیستم انتخاباتی که به وضوح باعث ایجاد بن‌بست یا بدتر از آن می‌شود، بیشتر و موثرتر از قبل تلاش می‌کند تا خشونت سیاسی را محدود کند، به اعتراضات مردمی واکنش مثبت نشان دهد و اجزای تکه پاره قومی-فرقه‌ای جامعه عراق را با هم آشتی دهد. برای مثال: بغداد به تدریج برخی از رهبران شبه‌نظامی را که از اقتدار دولت سرپیچی کرده مخالفان سیاسی خود را آزار می‌دهند، بازداشت می‌کند و یا به حاشیه می‌راند. آن مقام‌گرد که ناظر بر همه‌پرسی شکست‌خورده جدایی اقلیم کردستان در اکتبر ۲۰۱۷ بود، اعدام، تبعید یا زندانی نشد، بلکه وزیر دارایی عراق و سپس وزیر امور خارجه شد و خودمختاری‌گردها هم محفوظ ماند. و اخیراً هم وقتی یک معترض و روزنامه‌نگار عراقی به دست شبه‌نظامیان خشنی که مورد انتقاد او بودند ربوده و شکنجه شد، مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق، پس از رهایی وی به طور علنی از او در بیمارستان عیادت کرد و قول داد از حقوق همه شهروندان عراقی برای آزادی بیان و آزادی قلم محافظت کند.

به علاوه، دولت فعلی عراق به رغم تهدیدهای مستمر از سوی ایران و نیروهای نیابتی‌اش، آشکاراً مصمم به حفظ مشارکت نزدیک با ایالات متحده است. در این وضعیت جدید، حمایت ملموس از دموکراسی و حقوق بشر عراق سزاوار جایگاه برجسته‌ای در سیاست‌های دولت بایدن در کل منطقه است. اولویت‌ها را با موارد خاص وفق دهید. همانطور که گام‌های

نه تنها ناعادلانه است که نتیجه عکس می‌دهد. دو مثال واقعی در دو سر انتهای طیف دموکراسی عربی-تونس و عربستان-به وضوح این نکته را نشان می‌دهند.

تا همین اواخر، تونس تنها نمونه واقعاً موفق از بهار عربی بود که در دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد. بنابراین، این کشور آشکاراً باید در اولین فرصت ممکن به صدر فهرست آمریکا برای ترویج دموکراسی در خاورمیانه ارتقا یابد. ناروشنی فعلی در مورد اختیارات اضطراری رئیس‌جمهور قیس سعید دقیقاً فرصتی برای ارسال پیامی واضح اما عمدتاً خصوصی از سوی واشنگتن است مبنی بر این که بازگشت به مسیر کاملاً دموکراتیک پاداش ملموسی به دنبال خواهد داشت. در حال حاضر، به نظر می‌رسد راشد غنوشی، رقیب وی، احتمالاً به دلیل فشار مردم برای سازش آمادگی دارد. ایالات متحده بسیار بیش از این می‌تواند از دستاوردها منحصر به فرد و شکننده تونس حمایت مادی و معنوی به عمل آورد. انجام این کار به منطقه و جهان نشان می‌دهد که سیاست آمریکا در مورد این موضوع حساس به همان اندازه که به انتقاد از نتایج بد اهمیت می‌دهد برای نتایج خوب نیز پاداش در نظر می‌گیرد.

در سوی دیگر این طیف، عربستان سعودی دموکراسی نیست و خشم آمریکا از قتل جمال خاشقجی در سال ۲۰۱۸ پایدار و عمیق است. اخیراً، ریاض چند زندانی سیاسی برجسته مانند لجنین الهدلول، فعال حقوق زنان، و عبدالحمید القابین، روزنامه‌نگار طرفدار عادی سازی روابط با اسرائیل، را به صورت مشروط آزاد کرده است، اما همچنان صدها «مظنون» جدید را به اتهام مشکوک فساد بازداشت می‌کند. این اقدامات ممکن است تلاشی برای «بازی با سیستم» باشد که سعی دارد نشان دهد از تأکید دولت بایدن بر مبارزه با فساد به عنوان یکی از اجزای کلیدی دستور کار دموکراسی و حقوق بشر تبعیت می‌کند.

همزمان، دولت کنونی سعودی کاملاً فارغ از هر گونه ملاحظات استراتژیک یا اقتصادی، به طور سیستماتیک به دنبال ترویج و تبلیغ نسخه بسیار معتدل‌تری از اسلام نسبت به نسخه افراطی سنتی وهابی هم در داخل و هم در خارج مرزهای عربستان است. اکثر شهروندان سعودی در حال حاضر آزادی بیشتری در نحوه لباس پوشیدن، کار، عبادت، و مسافرت دارند و همانطور که دلخواهشان است از اوقات فراغت خود لذت می‌برند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها چقدر برای این آزادی‌ها ارزش قائل هستند و به طور فزاینده‌ای «تفسیر معتدل‌تر، مداراگر و مدرن‌تر از اسلام» را تأیید می‌کنند. این یک تحول مثبت قابل ملاحظه با ابعاد بالقوه انقلابی است و باید به طور مناسب بدون

کوچک اهمیت دارند، انتخاب اولویت‌ها هم باید با شرایط محلی مطابقت داشته باشد: در برخی موارد، امیدوارکننده‌ترین یا ضروری‌ترین موضوع برای مطرح کردن ممکن است بردباری مذهبی باشد؛ در مواردی دیگر شاید برابری زنان؛ و در برخی دیگر، آزادی بیان، دسترسی عادلانه به شغل و خدمات عمومی، رهایی از فساد، یا برخی ارزش‌های مهم دیگر. این بدان معنا نیست که برخی حقوق بر دیگری ارجح است، یا به منظور بهبود وضعیت برخی حقوق، باید چشم را به روی برخی سوءاستفاده‌ها بست بلکه به معنای تدوین برنامه‌ای واقع‌بینانه‌تر برای پرداختن به مسائل مختلف در یک جدول زمانی است و، به عبارت دیگر، یافتن مناسب‌ترین راه برای دستیابی به پیشرفت‌های قابل اندازه‌گیری در هر جامعه است.

**نه فقط هدف‌ها بلکه ابزارها را نیز متناسب انتخاب کنید.**

پس از انتخاب اولویت‌ها در هر کشور خاص، ابزارهای ارتقای آنها باید به طور مناسب و هماهنگ تعیین شود. ابزارهای منفی سنگین مانند تحریم‌ها، کاهش کمک یا بایکوت، معمولاً باید برای موارد فاحش یا سرپیچی‌های بزرگ محفوظ بمانند و ترجیحاً بسیار دقیق هدف‌گیری شوند. سطح و لحن هر یک از بیانیه‌های عمومی هم باید با ماهیت مشکل متناسب باشد.

مثال بارز آن استفاده از تحریم‌ها برای مبارزه با فساد است که به درستی یکی از درونمایه‌های اصلی رویکرد کلی دولت بایدن به این مشکل است. برای اثرگذاری بیشتر، چنین تحریم‌هایی باید به طور محدود اعمال شوند، به نحوی که تحریم‌ها را از هرگونه تلاش برای «تغییر رژیم» متمایز کند و، چیزی که به همان اندازه اهمیت دارد، در صورت مشاهده رفتار بهتر از سوی این کشورها به راحتی قابل برگشت باشد. مطابق با مواضع کلی‌تر سیاست خارجی دولت بایدن هم، در حالت ایده‌آل هر گونه تحریم باید چندجانبه باشد نه اقدامی یک‌جانبه از سوی ایالات متحده. در این مورد، خوشبختانه سازوکارهای چندجانبه مشورتی و عملیاتی وجود دارد و باید کاملاً از این سازوکارها بهره گرفت. یکی از کشورهایی که اعمال تحریم‌های ضد فساد ایالات متحده ممکن است برای آن مفید واقع شود و از حمایت گسترده مردمی برخوردار باشد لبنان است؛ کشوری که عملاً تمام طبقه سیاسی آن به واسطه اقدامات ارتكابی یا ترک فعل، مسئول فساد و خطاکاری‌هایی هستند که کشور را به ورطه نابودی کشانده است.

چیز دیگری هم که به همان اندازه مهم است، و اغلب اهمیت آن نادیده گرفته می‌شود، آن است که مشوق‌های مثبت برای هر گونه بهبود باید در همان مراحل اولیه و به دفعات بیشتری مورد توجه باشد. درست است که در شرایط اقتصادی و سیاسی

کنونی، افزایش چشمگیر کمک‌های اقتصادی ایالات متحده حتی برای پیشرفت‌های بسیار مطلوب در دموکراسی یا حقوق بشر در خارج از کشور جزو برنامه نیست، اما برنامه‌های موجود در زمینه آموزش، حرفه‌آموزی، تبادلات فرهنگی و حرفه‌ای، و حتی کمک به زیرساخت‌ها را می‌توان به نحو بهتری با این اهداف همسو کرد. شاید بتوان توزیع کمک‌های غیرنظامی را بین کشورها تا حدی به همکاری آنها در این زمینه منوط ساخت. امتیازات غیرمالی نظیر دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا و افتخاراتی از این دست را نیز می‌توان به طرز سودمند با نظر داشت جدی فاکتورهای حقوق بشر و دموکراسی ارائه داد.

**صبر هنر است.** سودان یکی از کشورهای مهم عربی است که شاید به دلیل آنکه در دو سوی مرزهای جغرافیایی و بوروکراتیک منطقه قرار گرفته اغلب در این مبحث نادیده گرفته می‌شود. در دو سال گذشته، سودان از زمان سرنگونی نظامی و مردمی دیکتاتور قدیمی خود گام به گام به سوی دموکراسی و رعایت بیشتر حقوق بشر حرکت کرده است. در آگوست ۲۰۲۱، دولت سودان حتی موافقت اولیه خود را اعلام کرد که عمر البشیر دیکتاتور مخلوع را برای محاکمه به اتهام جنایات جنگی در دارفور و جاهای دیگر به دیوان کیفری بین‌المللی تسلیم کند. اما دولت جدید سودان هنوز خود را دولت مرحله گذار می‌خواند و متشکل از رهبران نظامی و غیر نظامی است که یک متهم دیگر جنایت جنگی هم در میان آنها هست و هنوز راه زیادی تا انتخابات و دیگر مراحل مهم نظام دموکراتیک در پیش دارد.

دقیقاً به همین دلیل، سودان را باید به عنوان یک نمونه خوب از پاداش دادن به پیشرفت به حساب آورد، و نباید اجازه داد که وضعیت خوب فدای رسیدن به کمال مطلوب شود. ایالات متحده قبلاً با حذف سودان از فهرست حامیان دولتی تروریسم و حمایت از توافق برای جبران خسارات قربانیان کار درستی انجام داده است. اکنون زمان پیگیری مداوم است؛ یعنی: تشویق عمومی در سطح بالا؛ کمک، تجارت و سرمایه‌گذاری در بیشترین حد ممکن؛ و مشاوره خصوصی برای عبور از آشفتگی‌های دوران گذار. همه این اقدامات یک سرمایه‌گذاری مطمئن در دموکراسی عربی خواهد بود؛ اقداماتی که بازدهی بسیار بهتری نسبت به سرزنش سایر رهبران عرب در مورد انواع تخلفات یا کاستی‌های آنها خواهد داشت.

**ترغیب در خلوت اغلب بهتر از موضع‌گیری علنی عمل می‌کند.** سوابق نشان می‌دهد در حالی که دیپلماسی خاموش ممکن است امتیاز قابل ملاحظه‌ای در مباحث داخلی کشورهای خاورمیانه به دست نیاورد، اغلب موثرترین راه برای نتیجه‌گیری

مثبتی به دنبال نخواهد داشت، حتی اگر به نظر برسد که این نوع «ارسال پیام‌های فضیلت‌محور» خوشایند برخی منتقدان در کنگره یا رسانه‌ها است.

به دنبال نتایج ملموس باشید. ملاک واقعی اثربخشی سیاست ایالات متحده در این زمینه نباید تعداد تیرهای اول روزنامه‌ها باشد، بلکه باید تعداد کسانی که زندانی سیاسی بوده و آزاد شده‌اند، شمار مواردی از خوش‌رفتاری در برابر اقلیت‌های مذهبی، قومی یا جنسیتی، موارد بازگشت مخالفانی که به ناحق تحت تعقیب قرار گرفته‌اند یا دادن اجازه سفر به آنها و یا بازگرداندن آنها به مشاغلی که از آن اخراج شده‌اند و نظایر این ملاک باشد. به یقین، رژیم‌های خودکامه اغلب در این بخش از بازی سرکوب مهارت دارند، حتی مخالفان را بازداشت می‌کنند تا بتوانند بعداً با آزاد کردن آنها به این کار خود مباحثات کنند. اما تمرکز قاطعانه واشنگتن بر این موضوعات می‌تواند از شدت این مشکل بکاهد مشروط به اینکه پیام‌هایی که ارسال می‌شود صادقانه، مداوم و واضح باشد.

یک نمونه مهم در این زمینه تشکیلات خودگردان فلسطینیان است. دولت بایدن به‌درستی به سمت همکاری مجدد قوی با این تشکیلات به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و دیپلماتیک پیش می‌رود. اما آنچه به نظر می‌رسد تا اینجا حلقه مفقوده بوده تلاش جدی برای پیش راندن تشکیلات خودگردان به سوی حکمرانی بهتر، فساد کمتر و احترام بیشتر به آزادی‌های فردی و تحمل مخالفان است. این امر هم به طور ذاتی ارزشمند است و هم برای سایر اهداف بسیار مهم سودمند است؛ یعنی: افزایش مشروعیت و ثبات حتی در سایه سناریوهای جانشینی [محمود عباس] که در حال مطرح شدن است؛ رقابت سیاسی با حماس یا دیگر افراط‌گرایان خشن؛ و چشم‌انداز نهایی برای راه‌حل دو-دولتی و صلح با اسرائیل.

آخرین نظرسنجی از فلسطینی‌ها نشان می‌دهد که این موضوعات داخلی در حال حاضر علت اصلی سقوط شدید محبوبیت عمومی تشکیلات خودگردان است. هدف دولت آمریکا برای تقویت تشکیلات کاملاً درست است اما بدون پیشرفت قابل رویت در این زمینه محقق نمی‌شود. ولی این هم نباید به معنای عجله در انتخابات یا کنار گذاشتن پریسک سیاست‌های پیشین باشد، بلکه باید به هدایت ایالات متحده به سمت تشویق اقدامات عملی در تشکیلات خودگردان در جهت درست کمک کند؛ امری که هم بلافاصله با محبوبیت مردمی روبرو می‌شود و هم در کوتاه‌مدت از نظر سیاسی برای همه طرف‌های ذی‌نفع مفید خواهد بود.

از رهبران این کشورها در مورد مسائل حساس داخلی آنها است. در واقع، انتقاد علنی و حتی مسدود کردن صدها میلیون دلار کمک ایالات متحده، به احتمال زیاد، با واکنش لجوجانه مواجه می‌شود.

به عنوان مثال، در خصوص مورد مهم مصر، هیثم حسنین، پژوهشگر جوان مصری-آمریکایی، خردمندانه پیشنهاد می‌کند که:

واشنگتن باید با گفتگوی خصوصی و مشوق‌های مثبت شروع کند، نه با انتقاد علنی یا اعمال مجازات ... سیاست‌گذاران خارجی آمریکا نباید به این زودی دست خود را با اقدامات تنبیهی ببندند و آزادی عمل خود را محدود سازند، زیرا اگر چنین کنند خیلی زود گزینه‌هایشان در مورد قاهره به اتمام می‌رسد. توقف کمک‌های نظامی سالانه، تعجیل در تحریم و اظهارات علنی شدید فقط باید به عنوان آخرین گزینه پس از مشارکت در گفتگوی حقوق بشری با مصر و ارزیابی نتایج آن مورد استفاده قرار گیرد ... در واقع، اذعان آمریکا به اینکه مصر با مشکل تروریسم روبروست در مذاکرات ایالات متحده با مصری‌ها مفید واقع خواهد شد.<sup>۳</sup>

این به معنای صرف نظر از هر گونه اظهار نظر عمومی نیست، بلکه فقط به این معنی است که این روش‌های تنبیهی نباید اولین گزینه واکنش باشد و نباید از آنها به عنوان جایگزین بررسی و تأمل جدی در مذاکرات خصوصی استفاده کرد. در چنین شرایطی، این مسائل باید در صدر یا نزدیک به صدر دستورکار قرار داشته باشد نه اینکه وقتی کار از کار گذشت به ذهن بیاید. مسلماً وضعیت در اینجا سیاه و سفید نیست. به عنوان مثال، قاهره همچنان خواستار بازداشت محمد سلطان، شهروند دو تابعیتی، است که چند سال پیش او را به سلامت به ایالات متحده برگرداند. در سال‌های قبل، دولت عبدالفتاح سیسی حاضر نشد حتی پس از تهدید کاهش کمک‌های ایالات متحده، در بسیاری از پرونده‌های حقوق بشری کوتاه بیاید، مگر در موارد چندی که شهروندان آمریکایی شاغل در سازمان‌های مردم‌نهاد در آن درگیر بودند آن هم با تأخیر.

اما در چند ماه گذشته، دولت سیسی بی سروصدا خالد داوود روزنامه‌نگار و ده‌ها تن از دیگر کنشگران جامعه مدنی را آزاد کرده است بدون اینکه هیچ گونه فشار عمومی یا تهدید به قطع کمک از سوی واشنگتن وجود داشته باشد. بنابراین، سوابق به‌روشنی نشان می‌دهد که قطع یا مشروط کردن کمک‌های نظامی نتایج



مختلف برای هک، خبرسازی و نفوذ غیرقانونی یا غیراخلاقی در ایالات متحده متهم شده‌اند.

یکی از راه‌های دفاع در برابر چنین تهدیدهایی علیه دموکراسی، بسیج جبهه‌ای مشترک با نزدیک‌ترین متحدان ایالات متحده در میان دموکراسی‌های دارای فناوری پیشرفته است. در چشم‌انداز خاورمیانه، اسرائیل کاندیدای خوبی برای این مأموریت است.

همزمان، ایالات متحده باید مراقب باشد که این فناوری‌های نوظهور اطلاعاتی، حتی در صورت استفاده از سوی کشورهای دوست، برای اهداف ضد دموکراتیک مانند شنود و پایش غیرقانونی و آزار و اذیت یا سرکوب سیاسی مورد سوءاستفاده قرار نگیرد. این امر نیز ممکن است پیامدهای منطقه‌ای داشته باشد؛ به ویژه اگر افزایش روابط بین شرکت‌های اسرائیلی و برخی از دولت‌های عربی در خلیج فارس و جاهای دیگر را در نظر آوریم. مورد مشهور شرکت اسرائیلی ان.اس.او (NSO) و فناوری آن برای هک تلفن موسوم به پگاسوس تصویری ترسناک از این مشکل ارائه می‌دهد. در اینجا هم، راه‌حل مرجح مشورت فعال با دموکراسی‌های همفکر - از جمله اسرائیل - است تا در مورد نحوه مدیریت بهتر این کاربرد دوگانه و غیردموکراتیک از فناوری‌های پیشرفته اطلاعات و تولیدات مرتبط با آن به اقدام مشترک منجر شود.

**نه فقط مقامات رسمی که سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران را هم در برنامه بگنجانید.** دولت بایدن در تدوین و اجرای سیاست و دستورکار خود در برنامه ترویج دموکراسی و حقوق بشر، همیشه از یاری گرفتن از سازمان‌های مردم‌نهاد و کارشناسان متناسب سود خواهد برد. علاوه بر این، ایالات متحده باید در میان سازمان‌های مردم‌نهاد خارجی و رهبران جامعه مدنی در جستجوی شرکایی برای این کار از جمله در خاورمیانه باشد. پیشنهاد دولت بایدن برای برگزاری «اجلاس برای دموکراسی» که گفته می‌شود برای ۹ تا ۱۰ دسامبر برنامه ریزی شده، مکانی منطقی برای پیشبرد چنین ابتکاری خواهد بود.

در موارد خاص منطقه‌ای، این شبکه باید از گستردگی کافی برخوردار باشد تا نهادهای شبه‌دولتی مانند سازمان‌های ملی حقوق بشر را تحت پوشش قرار دهد؛ این سازمان‌ها گاهی به لحن جدی-شوخی «گا-ان.جی.او» (GONGO یا سازمان‌های غیردولتی دولت-ساخته) نامیده می‌شوند. حتی اگر این سازمان‌ها تحت درجات مختلف کنترل رسمی باشند، بعضی اوقات می‌توانند به مردمی شدن و مشروعیت بخشیدن به گفتمان حقوق بشر کمک کنند تا درجه‌ای که گاه ناظران دولتی خود را به سمت اعمال اصلاحات سوق می‌دهند. گنجانیدن

بیش از هر زمان دیگری لازم است با متحدان همکاری کنید. از کلیشه‌گویی که بگذریم، این همکاری نشان‌دهنده یک خروج واقعی و خوشایند از شیوه‌ای است که این اواخر به کار رفت و ارزش سرمایه‌گذاری جدی در سطح بالا را داراست. همکاری با اتحادیه اروپا، اتحادیه «چشم‌های پنجگانه» (اتحاد اطلاعاتی پنج کشورانگلیسی‌زبان شامل ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند) و سایر متحدان در مورد پروژه‌های دموکراسی و حقوق بشر خاورمیانه به طور کلی تأثیر تصاعدی قابل توجهی چه در منطقه و چه در چندجانبه‌گرایی خواهد داشت. این مشارکت باعث می‌شود منابع گرد هم آید، پیام تقویت شود، و ریسک انحراف از پروژه یا عکس‌العمل رژیم‌های منطقه کاهش یابد.

از این گذشته، تا آنجا که منافع اصلی ایالات متحده به خطر نیفتد، این هدف تاکتیکی ممکن است ارزش بده بستان بر سر مسائل دیگر را هم داشته باشد. به عنوان مثال، ممکن است بتوان درباره تعدیل برخی از سیاست‌های تجاری آمریکا، در ازای سیاست هماهنگ‌تر ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مورد حقوق بشر در کشورهایی مانند ترکیه یا ایران، که اتحادیه اروپا نفوذ بیشتری در آنها دارد، بحث کرد. در برخی موارد دیگر، شاید ارزشش را داشته باشد که به خاطر وحدت بیشتر میان همپیمانان خود، در مورد برخی از مسائل مربوط به دموکراسی منطقه‌ای بر کمترین وجوه اشتراک توافق کنیم.

**دستورکار تکنولوژیک را مدرن‌سازی کنید.** در بیانیه‌های حوزه فراگیرتر سیاست خارجی، دولت بایدن پیش از این ضرورت جلوتر بودن آمریکا از منحنی جهانی در زمینه فناوری‌های نوپدید اطلاعات و سایر فناوری‌های پیشرفته را اعلام کرده است. این امر در درجه اول در زمینه رقابت اقتصادی با چین و در درجات بعدی در ارتباط با تهدیدات بالقوه فناوری‌های پیشرفته برای دموکراسی از سوی هکرها، سوءاستفاده‌کنندگان از رسانه‌های اجتماعی، برنامه‌های مهاجم هوش مصنوعی و موارد مشابه مطرح شده است.

روی سخن دولت بایدن احتمالاً در درجه اول با روسیه است. اما در میان کشورهای خاورمیانه، از ایران در این زمینه مکرراً نام برده شده و البته از چند کشور عربی حاشیه خلیج فارس هم که در این زمینه بدنام شده‌اند. رسانه‌های متعارف و رسانه‌های اجتماعی قطر پا را فراتر از لابیگری و روابط عمومی مشروع گذاشته‌اند و در حوزه خبرسازی، تحریکات ضد آمریکایی، و حتی تلاش برای دخالت در سیاست داخلی ایالات متحده فعالیت می‌کنند. عربستان سعودی و امارات متحده عربی هم اخیراً در تلاش‌های

هم منافع آمریکا و هم ارزش‌های آن مستلزم حمایت از دولتی است که متعهد به صلح با همسایگان خود باشد، حتی اگر دولتی باشد که ایالات متحده در تلاش است جهت‌گیری‌اش نسبت به مردم خود بهبود یابد.

امیدوارکننده است که گردهمایی مورد بحث به عنوان «اجلاس برای دموکراسی» برگزار می‌شود و نه «اجلاس دموکراسی‌ها». به عبارت دیگر، نه تنها هیئت‌های دولتی (از کشورهای دموکراسی)، بلکه نمایندگان غیررسمی نیز جزو شرکت‌کنندگان در اجلاس خواهند بود. در نتیجه، می‌توان شهروند-کنشگرانی را حتی از دولت‌های غیردموکراتیک به همراه دیگران به اجلاس دعوت کرد و به تلاش‌های شجاعانه آنها انگیزه بیشتری داد. در چارچوب خاورمیانه، این کار به اهمیت این گردهمایی می‌افزاید و به دولت بایدن توصیه می‌شود که با نظر مساعد به این موضوع بنگرد.

با متحدان آمریکا سختگیرتر از دشمنان نباشید. یک شکایت رایج از کمپین‌های ایالات متحده برای دموکراسی و حقوق بشر در خارج این است که گزینشی و حتی ریاکارانه به نظر می‌رسند؛ دولت‌های دوست را هدف قرار می‌دهند اما سوءرفتارهای بدتر از سوی دولت‌های غیردوست را تحمل می‌کنند. تا حدی، این شکایت رایج حاکی از این واقعیت است که کمک‌های آمریکا، که ممکن است به عنوان اهرم فشار در این برخوردها تلقی شود، به طور طبیعی برای متحدان ایالات متحده است و نه دشمنان آن. اما به خاطر اعتبار و اثربخشی سیاست‌های آمریکا ضروری است با حرف و عمل نشان دهیم که ایالات متحده می‌تواند به طور منصفانه موقعیت خود را در قبال هر دو نوع قدرت خارجی تعادل ببخشد. در عمل، این بدان معناست که واشنگتن باید تا حد امکان از کاربرد چماق قطع کمک‌های خارجی به عنوان ابزار فشار، حتی به نفع دموکراسی یا اهداف والای حقوق بشر، خودداری ورزد.

به حرف مردم محلی گوش دهید. به توصیه‌های مدافعان واقعی حقوق بشر و دموکراسی که اهل منطقه هستند، با دقت توجه کنید. درست است که آنها توصیه‌های متنوع و گاه حتی متناقض ارائه می‌دهند و بهترین پیشنهادهای آنها هم ممکن است برای کشور خودشان مناسب‌تر باشد تا برای استفاده در کشورهای دیگر منطقه. با این همه، این افراد برخی مشترکات ارزشمند را معرفی می‌کنند و پیشنهادهای بسیار معقولی هم برای کشورهای معین ارائه می‌دهند.

آنها در این شبکه، نقاط نسبتاً باز دسترسی در این زمینه را در سیستم‌های سیاسی با مقاومت بسیار بالا [در مقابل دموکراسی و حقوق بشر] فراهم می‌کند.

یک مثال مهم در این میان ترکیه است، زیرا دولت کنونی این کشور در زمینه دموکراسی و حقوق بشر در حال پسرفت است؛ در حالی که بیشتر جامعه مدنی آن همچنان به این هر دو اصل پایبند هستند. در اواسط ماه مارس، ایالات متحده نسبت به پیشنهاد غیرقانونی شدن کامل فعالیت حزب اپوزیسیون طرفدار گردها (HDP) هشدار داد. دولت اردوغان به طور خودسرانه بسیاری از نمایندگان پارلمان، شهرداران و دیگر مقامات عضو این حزب را اخراج کرده است. گام بعدی آمریکا این است که نشان دهد این هشدارها صرفاً در حد حرف باقی نمی‌ماند. سخن کنشگر ترک، آسلی آیدینتاش باش دوباره در اینجا ارزش نقل دارد:

صرف صدور بیانیه فقط ارسال پیام فضیلت‌محور است و به‌راحتی نادیده گرفته می‌شود. در عوض، واشنگتن باید به دیپلمات‌های خود دستور دهد تا سنت دیرینه آمریکا را در مورد همکاری با بخش‌های مختلف کشور از جمله اقلیت‌ها، احزاب مخالف، دولت‌های محلی و جامعه مدنی حفظ کنند؛ کاری که مقامات آمریکایی در چند سال گذشته نتوانسته‌اند انجام دهند. دعوت از شهرداران انتخاب‌شده ترکیه و کنشگران جامعه مدنی یا فعالان حقوق بشر برای شرکت در اجلاس جهانی دموکراسی که برای اواخر سال برنامه‌ریزی شده نیز پیام مناسبی می‌فرستد.

در مقابل، در مصر گزینش دقیق‌تری در مورد دیدارهای ایالات متحده با شخصیت‌های اپوزیسیون لازم است، زیرا در مصر، بر خلاف ترکیه، بسیاری از مخالفان در واقع ضد دموکراتیک، ضد آمریکایی و ضد صلح هستند. بار دیگر، برخی توصیه‌های خوب به نقل از تحلیلگر مصری، هیشم حسنین:

دولت آمریکا نباید از اسلام‌گرایان و اعضای اپوزیسیون که مخالف منافع ایالات متحده هستند و معاهده صلح با اسرائیل را رد می‌کنند برای ملاقات با چهره‌های اصلی دولت دعوت کند ... مطمئناً هرگونه ملاقات علنی با این افراد، از سوی اپوزیسیون در جنگ تبلیغاتی‌شان علیه رژیم سیسی استفاده خواهد شد؛ کاری که ایالات متحده به هیچ وجه راضی به انجام آن نخواهد بود.

## // دو مورد ویژه: ایران و اسرائیل

در طیف دشمنان و متحدان ایالات متحده در منطقه، ایران و اسرائیل دو سر متضاد را به خود اختصاص داده‌اند، اما هر دو نیازمند توجه در زمینه حقوق بشر و دموکراسی هستند.

### ایران

بر خلاف سایر کشورهای خاورمیانه، دولت ایران دشمن ایالات متحده است؛ بنابراین اگر واشنگتن با اعمال فشار به ایران خواهان کاهش سرکوبگری و خشونت دولت این کشور نسبت به شهروندان خود باشد چیزی را از دست نمی‌دهد. اما ترویج حقوق بشر در ایران غیر از حمایت از «تغییر رژیم» است. هدف اول، هدفی بسیار مشروع و محدودتر است و باید جزء جدایی‌ناپذیر اصول دیپلماسی ایالات متحده در قبال ایران هم در نظر و هم در عمل باشد. اعتراضات مجدد مردمی علیه فساد و سرکوب در چندین شهر بزرگ ایران، همراه با صحنه‌سازی دولتی برای انتخابات ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور افراطی، تندرو، و ناقض مکرر حقوق بشر، خود به‌تنهایی فوریت اتخاذ چنین موضعی را تأیید می‌کند.

این موضوع اصلی هرگز نباید گروگان مذاکرات هسته‌ای یا هر نوع مذاکرات دیگر با تهران قرار گیرد. هیچ دلیل موجهی وجود ندارد که نتوان چنین تلاش‌های چندجانبه‌ای را همزمان انجام داد. از نظر تاریخی، این سیاست با وجود موانع و تأخیرهای فراوان، کارآمدی خود را در بلوک شوروی و کشورهای آسیایی، آمریکای لاتین و آفریقا - با یا بدون تغییر رژیم - نشان داده و بسیار موفقیت آمیز بوده است.

اصول کلی و ابزارهای عملی این اقدام باید در مورد ایران نیز اعمال شود. این ابزارها عبارتند از: بیانیه‌ها و گزارش‌های عمومی در مورد نقض حقوق بشر جهانی، گفتگوهای غیرعلنی در موارد خاص با اولویت اشخاص آمریکایی، هماهنگی تا حد امکان با کشورهای متحد دموکراتیک، تحریم‌های هدفمند که با دقت انتخاب شده باشد و با قوت اجرا شود، تماس با سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران حقوق بشر مناسب، پشتیبانی فنی از رسانه‌های آزاد و رسانه‌های اجتماعی و ایجاد دسترسی پایدار چندرسانه‌ای به زبان‌های محلی.

در مورد ایران، واضح است که چنین تلاش صبورانه و مسالمت‌آمیزی برای حقوق بشر، اقدامی زمان‌بر و چه بسا یک هدف بلندمدت است. اما چنین تلاشی ضروری است نه فقط به خاطر خود این هدف، بلکه برای رد این شکایت مشروع که ایالات متحده گاهی در مورد حقوق بشر با دوستان خود سختگیرانه‌تر از دشمنان خود عمل می‌کند. اتهام قدیمی در مورد «دیکتاتوری و استانداردهای دوگانه» هنوز اهمیت خود را در زمینه سیاست خارجی امروز از دست نداده است.

## اسرائیل

ساختار خود گنجانده و بدین ترتیب دروغ بودن تهمت «آپارتاید» اسرائیلی را به نحوی چشمگیر به اثبات رسانده است.

بدیهی است که گفتگو تفاوت‌ها و مشکلات را آشکار می‌کند و امکان دارد حرف‌های تلخ هم به میان آید. مانند اکثر موارد دیگر، دقیقاً به منظور بیشترین تأثیرگذاری و کمترین ریسک واکنش منفی، این حرف‌ها باید به طور خصوصی بیان شوند. و مانند اکثر موارد دیگر، این گفتگوها نباید به اقدامات تنبیهی نسبت به کمک‌ها و یا هر گونه همکاری سودمند متقابل دیگر از قبیل همکاری‌های دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی/تکنولوژیکی گره بخورد.

مهم‌ترین موضوع که به اسرائیل اختصاص دارد، این است که هر گونه موضوع اینچنینی باید به‌روشنی از موضوعات مربوط به درگیری اسرائیل با فلسطینیان تفکیک شود چرا که مقوله دیپلماتیک، حقوقی و اخلاقی بسیار متفاوتی است. این مشکل باید به صورت تدریجی و با توجه به شرایط خاص خود حل و فصل شود و یا دست‌کم مورد بررسی قرار گیرد. هر گونه تلاش برای دخیل کردن موضوع درگیری اسرائیل با فلسطینیان با مسائل حکمرانی داخلی اسرائیل یا موارد مربوط به حقوق بشر صرفاً بهانه‌ای به دست عناصر افراطی در میان اسرائیلی‌ها، فلسطینی‌ها یا آمریکایی‌ها می‌دهد که از پیروان دجال «راه حل تک دولتی» در این سرزمین هستند. این راه نه به دموکراسی بلکه به بن‌بست و شاید حتی جنگ داخلی ختم می‌شود؛ جنگی که به طور جدی تهدیدکننده منافع و ارزش‌های آمریکا هر دو است. بنابراین، دقیقاً برای کمک به حفاظت از منافع بسیار مهم دخیل بودن ایالات متحده در این منطقه، باید کاملاً از آن اجتناب شود.

مقامات ارشد دولت بایدن به‌تازگی و به‌درستی بر این موضع که اسرائیل یک دموکراسی است تأکید کرده‌اند. آنها همچنین باز هم به‌درستی، از تکرار این سخن بی‌اساس خودداری کرده‌اند که اسرائیل «تنها دموکراسی خاورمیانه» است؛ زیرا در واقع، تنها دموکراسی نیست. با این حال، چندان روشن نیست که دولت بایدن چگونه می‌خواهد در صورت وجود مشکلات دموکراسی و حقوق بشر در اسرائیل به آنها بپردازد؛ اگر اصولاً بخواهد.

توصیه‌ای که می‌توان در این مورد داشت ساده است: همان اصول اساسی که در موارد دیگر به کار می‌رود، در مورد اسرائیل نیز باید اعمال شود. مقامات عالی‌رتبه آمریکایی باید به‌طور علنی از ویژگی‌های دموکراتیک اسرائیل تمجید کنند. این کار شامل اقدامات قابل تحسین فعلی این کشور در مشارکت دادن اقلیت ۲۰ درصدی شهروندان عرب در سیاست، آموزش، اقتصاد، بهداشت عمومی و تقریباً در همه بخش‌های دیگر می‌شود.

در عین حال، ایالات متحده نباید از انتقاد در مورد مشکلات موجود در شیوه‌های دموکراتیک یا حقوق بشر اسرائیل طفره برود. اما روندهای اخیر در مسیر مثبت‌تری حرکت می‌کند. چند ماه قبل، احتمال حضور یک سیاستمدار راست افراطی - که در مرز نژادپرستی قرار دارد- در دولت اسرائیل نگران‌کننده به نظر می‌رسید. در ماه می، نزاع تازه و تاسف‌بار داخلی بین عناصر حاشیه‌ای یهودی و عرب نیز مایه نگرانی شد؛ نزاعی که قریب به یقین تا حد زیادی ناشی از افزایش انتظارات به دلیل پیشرفت‌های اخیر در جهت ادغام اجتماعی-اقتصادی و سیاسی است.

از آن زمان به بعد، دولت جدید اسرائیل تدریجاً مذهب و ناسیونالیست‌های افراطی را کنار گذاشته است. دولت اسرائیل برای نخستین بار یک حزب سیاسی مستقل عرب اسرائیلی را در



## یادداشت‌ها

۱. آنتونی جی. بلینکن، «سیاست خارجی برای مردم آمریکا»، وزارت امور خارجه ایالات متحده، ۳ مارس ۲۰۲۱، <https://www.state.gov/a-foreign-policy-for-the-american-people>.
۲. آسلی آیدینتاش‌باش، «آیا دولت بایدن می‌تواند به نجات دموکراسی در ترکیه کمک کند؟»، واشنگتن پست، ۱۵ مارس ۲۰۲۱، <https://www.washingtonpost.com/opinions/2021/03/15/turkey-erdogan-biden-administration-democracy-human-rights>.
۳. هیشم حسنین، «واشنگتن چگونه می‌تواند به طرز سازنده‌ای با قاهره در زمینه حقوق بشر همکاری کند؟» انجمن فکری، انستیتو واشنگتن در سیاست خاورمیانه، ۱۹ مارس ۲۰۲۱، <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/how-can-washington-constructively-engage-cairo-human-rights>.

## نویسندگان

دیوید پولاک هموند برنستاین و مدیر «پروژه فکرة» در انستیتو واشنگتن است. وی در گذشته به عنوان مشاور ارشد وزارت خارجه ایالات متحده در بخش خاورمیانه بزرگ، با تمرکز بر حقوق زنان (از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۷) و به عنوان کارشناس منطقه‌ای «ستاد برنامه‌ریزی سیاسی» وزیر خارجه (۲۰۰۱-۱۹۹۶) فعالیت داشته است. مطالعات اخیر وی در انستیتو شامل دو اثر است: ارزیابی دارایی ۲۰۲۱: چگونه ایالات متحده می‌تواند از اتحاد خود با اسرائیل سود ببرد (با مایکل آیزنشتات) و نیز ملت تقسیم شده: دیدگاه‌های فلسطینیان در مورد جنگ و صلح با اسرائیل.



رابرت ستلوف مدیر اجرایی انستیتو واشنگتن و صاحب «کرسی هاوارد پی. برکوویتس در سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده» در این انستیتو است. ستلوف کارشناس سیاست عربی و اسلامی است و در زمینه روند صلح اعراب و اسرائیل، چالش اسلام سیاسی و ضرورت اصلاح دیپلماسی عمومی ایالات متحده در خاورمیانه مطالب زیادی منتشر کرده است. آثار اخیر او شامل دو مطالعه انستیتو واشنگتن در بحث انتقال قدرت ۲۰۲۱ است که بر روابط ایالات متحده با شمال غرب آفریقا (مشترک با سارا فوئر) و با عربستان سعودی (مشترک با دنیس راس) متمرکز است.

